

بوی غمناک پاریس

● مسعود شجاعی طباطبایی



جامعه رسوخ می‌کند. نگاه سیرل چون هوکارت به تمامی طبقات جامعه است. او با آشکارکردن تضادها و تناقضهایی که بین طبقات گوناگون جامعه وجود دارد، به طنزی شگرف دست یافته است که می‌توان از آن به عنوان طنزی خاص در قلمرو ذهنیت انگلیسیها یاد کرد. در واقع، سیرل، همچون هوکارت، به نوعی کمدی انسانی توجه دارد، به همین دلیل باید گفت گرچه بسیاری از کاریکاتوریستهای انگلیسی قرن بیستم وارثین میراث هوکارت‌اند، اما هیچکدام از آنها مانند سیرل ویژگیهای کاری او را تا این حد منعکس نکرده‌اند.

سیرل در آثار خود علاوه بر دقت و توجه به چهره‌ها، که با اغراقهای خاص او شخصیت واقعی‌شان آشکار می‌شود، به رفتار آدمها توجه دارد. در این میان او، بیشتر از آنکه به دنبال شخصیتهای آشنا و نامدار باشد، به مردم عادی کوچمه و خیابان توجه دارد. وی نوعی کاریکاتور مردمی ارائه می‌دهد تا چهره‌های بی‌نام و نشان مردم پیرامونش را به چهره‌های جهانی تبدیل کند.

در مجموعه‌ای با عنوان «آه، بله، من خیلی خوب یادم می‌آید...» سیرل آثاری حاصل از اقامت طولانی چهارده ساله‌اش از ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۵ را ارائه داده است. در این مجموعه، به خوبی می‌توان نوعی گزارش مصور از زندگی و آداب و رسوم فرانسویها را دید.

اذعان دارد، کاریکاتور را نه تنها برای ارضاء و نیازی مبرم به لذت‌جویی، بلکه برای مطرح ساختن جنبه‌های پنهان طنز در زندگی دنبال می‌کند.

سیرل با زیرکی خاص خود به کنکاش خلاقانه در اطرافش می‌پردازد و به نوعی به آشکارسازی واقعیات پنهان زندگی پیرامونش دست می‌یازد. در این میان، او بیشترین توجه‌اش را متوجه مسائل اجتماعی می‌کند، به همانگونه که در قرن هیجدهم ویلیام هوکارت انگلیسی، به عنوان پیش‌تاز کاریکاتور در دنیا و یکی از پیشروان طنز اجتماعی، به آن توجه داشت. آثار هوکارت همچون گنجینه‌ای گرانبها مورد استفاده سیرل و هنرمندان کاریکاتوریست دیگر است.

سیرل همچون هوکارت با دقتی عالی و بی‌مانند در ارائه جزئیات، به ترسیم فضاهایی بدیع از جامعه پیرامونش می‌پردازد و با این تصاویر به ژرفا و عمق

اشاره

در شماره پیش، نوشتیم رونالد سیرل در ۱۹۲۰ در کمبریج انگلستان به دنیا آمد. او فارغ‌التحصیل رشته نقاشی از مدرسه هنرهای زیبای کمبریج است. وی در جریان جنگ جهانی دوم، به مدت هفت سال در برمه اسیر و زندانی بود. آثار دوران اسارت سیرل با عنوان «جهل طرح» در ۱۹۴۶ برایش شهرت و اعتباری ویژه به همراه آورد. سیرل یکی از طراحان پیشرو نشریه «پانچ» بود (در ۱۹۵۱ به پانچ پیوست) و هم‌اکنون نیز با نشریات بریتراژ و معتبر انگلستان، فرانسه و آمریکا همکاری دارد. سیرل علاوه بر طراحی کاریکاتور به عنوان تصویرساز و طراح صحنه فیلم هم شهرت دارد. در این شماره نگاهی داریم به آثار سیرل که در طول مدت اقامتش در فرانسه طراحی شده است.

نوعی احساس لذت‌طلبی در آثار سیرل وجود دارد که می‌توان آن را به خوبی در میان جزئیاتی که با خطوطی سیال و قدرتمند اجرا شده‌اند، حس کرد. اما این احساس تنها در قالب باقی نمی‌ماند در عمق و مضمون نیز رسوخ می‌کند. سیرل همانطور که خود



سیرل در مقدمه این مجموعه، ابتدا به ستایشی اغراق آمیز از پاریس می‌پردازد: «آقایان، هنگامی که ما از پاریس خسته شده‌ایم در واقع از زندگی خسته شده‌ایم، اینطور نیست» و ادامه می‌دهد: «خاطرات من از پاریس به زمانی برمی‌گردد که به عنوان یک جهانگرد در ساعت ۶/۳۰ صبح روی خط‌کشی چهارراه اندون در یک صبح غمناک و گرفته حیران مانده بودم و از دود ماشینها سیراب می‌شدم.» او اضافه می‌کند: «خیابانهای تنگ و باریک سنگفرش شده، آسمانی گرفته، عطر خاص قهوه‌ای که دوباره دم شده، نان «باگت»های بزرگ داغ، دود سیگاری که از دهان یک سیگاری حرفه‌ای به صورت نترشیده‌ام دمیده می‌شد و... همه اینها برای من یک خاطره به یاد ماندنی است که با یک کلمه به یاد می‌آید «پاریس» سیرل می‌گوید: «نوعی بوی خاص در پاریس تا مغز استخوان آدم رسوخ می‌کند که آن را از لندن یا

نیویورک متمایز می‌کند. می‌توان گفت این بو در واقع عصاره‌ای از روستاهای کوچک مجاور پاریس‌اند که به سرعت در حال ناپدید شدن‌اند. در واقع این بو نوعی نوستالژی حزن‌انگیزی را به یاد می‌آورد که از اولین برخوردم به عنوان یک جهانگرد تا به حال حریصانه تنگس می‌کنم. پاریس برای من با هیاهویی مانند یک تاتر آغاز و با باز شدن پرده‌های متالیک مغازه‌های لبنیاتی، گوشت‌فروشی و... آشکار می‌شود، حرکت مردم این شهر همچون رفت‌وآمد موشهای فاضلاب، در جویهای تنگ و باریک، پس از دمیدن صبح با ریتی یکنواخت از یکی از مغازه‌ها آغاز می‌شود، خصوصیات یک پاریسی واقعی را آشکار می‌کند که به هیچوجه حاضر نیست نسبت به شکمش بد بگذرد. یک پاریسی در حین راه رفتن در پیاده‌رو و غذایش را می‌بلعد و دائم حرکتی مورچه‌وار به طرف سطهای لبریز از اشغال دارد.

کاریکاتورهایی که سیرل از پاریس طراحی کرده است، همانطور که خود اشاره دارد، زندگی واقعی پاریس‌نشینان را آشکار می‌کند. طرحهای مجموعه یادشده با نمایی از ساختمانهای قدیمی که بر تابلوهای سر در مغازه‌های آن اسامی هنرمندان کاریکاتوریستی مانند توپور، دکلوژو، آندره فرانسوا، بویژر روساده غیره نقش شده است، آغاز می‌شود. سپس در کوچه پس کوچه‌ها، خیابانها، مترو درکنار بناهای قدیمی و معروفی مانند برج ایفل و طاق پیروزی به زندگی مردم عادی پرداخته شده است. درجایی در شلوغی بی‌حد خیابان، درحالی که ماشینها از سرو کول هم بالا رفته‌اند، رفتگری سیاه‌پوست درحین جاروب کردن بی‌توجه به این هیاهو درحال زمزمه کردن ترانه‌ای است. درجای دیگر، همین تراکم را در محله قدیمی مونارتر تا بلهوی از تابلوها شاهدیم که هر هنرمندی به شیوه خود مشغول هنرآفرینی است. خصوصیات ظاهری نقاشان و تابلوهایی که کار کرده‌اند، حاکی از نگاه دقیق و جستجوگرانه سیرل از این تیپ افراد است.

در طرحی با عنوان «خیابان اپرا، امپراطوری پن زاین» یکی از محلات قدیمی پاریس را می‌بینیم که تماما از تابلوها و نوشته‌های زاینی پر شده است؛ این درحالی است که زاینها با لباسهای خاصشان در آن در حال ترددند و تنها ساختمان اپراست که انبوهی از اتوبوسها و توریستها آن را احاطه کرده‌اند و مونالیزا بر فراز طرح، با لبخند ویژه‌اش و با انگشتانی که به علامت پیروزی بلند کرده، رضایت‌خاطر خود را اعلام می‌کند.

در طرحهای سیرل، عشق فرانسویها به حیوانات به ویژه سگها نشان داده شده است. در طرحی در ابتدای این مجموعه، سگی رادرنکار صاحبش که راننده تاکسی است می‌بینیم، سگ که همچون صاحبش سیگاری بر گوشه لب دارد، با نگاهی جستجوگرانه به اطراف، او را در یافتن مسافر یاری می‌دهد در اثر دیگری، در پس پنجره‌ای در یک ساختمان قدیمی، تنهایی انسان پاریسی و سگش در نگاهی اندوهبار که هر دو به بیرون دارند، نشان داده شده است. در طرحی دیگر، اوج حیوان‌دوستی پاریسیها را در نمایی از قصابی ویژه گوشت اسب می‌بینیم. این درحالی است که قصابی با مجسمه سراسب و نقاش آن تزئین شده است.

اگر بخواهیم درباره همه تیپهایی که سیرل از مردم پاریس ارائه داده است، صحبت کنیم حاصل آن مطمئناً بدل به کتابی قطور خواهد شد، ولی چیزی که به صورت خلاصه می‌توان گفت این است که سیرل علاوه بر اینکه شخصیت‌های پیرامونش را خوب می‌بیند، انگار آنها را با جان و دلش حس می‌کند. ترسیم قیافه مغفون و چاپلوسانه گارسون رستوران، نگاه موزیانه سرایدار خانه، قیافه بی‌خیال و فارغ‌البال یک دورگرد مست و سرمایه‌داری که از بالکن خانه‌اش تمام پاریس را زیر نظر دارد، همه و همه نشان از دیدی نقادانه و نازک‌اندیش دارد، تا جایی که می‌توان با جرئت اعلام کرد که سیرل بیشتر از اینکه یک کاریکاتوریست باشد، یک جامعه‌شناس است.



